

ازبکان

ازبکان می‌تواند در موارد زیر بکار رود: ازبکان، یک قوم ترک تبار ساکن در ازبکستان و شمال افغانستان است.

ازبکان، در تاریخ ایران به دولت ازبکان یا شیبانیان به سرکردگی محمد شیبانی گفته می‌شود.

روابط ایرانیان و ازبکان در دوره شاه طهماسب صفوی

✓ بحث در عوامل رویارویی

مرگ شاه اسماعیل اول و جوان بودن طهماسب و نزاعهای سران قزلباش در دربار فرصتی فراهم ساخت تا بلا انقطاع خوانین اوزبک بر سرزمینهای ایران بتازند. هرچند مرگ محمدخان شیبانی در خراسان در سال ۹۱۶ هـ. ق. ۱۵۱۰ م به عنوان مقتدرترین رهبر اوزبک، بر حیات سیاسی اوزبکان در ماوراءالنهر تأثیر تضعیف‌کننده نهاد، لیکن عبیدالله‌خان اوزبک با داشتن فقیهی برجسته و شیعه ستیز (ابن‌روزبهان)، که طرح حکومت اسلامی را بر مبنای خلافت در سلوک الملوک گرد آورده بود، همچنان روحیات رزمنده مذهبی و عقیدتی را در قوم اوزبک حفظ کرد. این جانشین پرتوان و قدرتمند، که وارث شکست سنگین

مرو بود، با پیروزی در ماوراءالنهر و قتل یار احمد اصفهانی، (۵).
ص ۱۷۴-۱۷۰) مقام وکالت، که قدرتمندترین امیر تاجیک ایرانی بود، نشان داد
که مرگ بنیانگذار دولت اوزبکان بر فروکش کردن ایدئولوژی مذهبی و سیاسی
آنان در ماوراءالنهر تأثیری نکرده است و آن دولت همچنان به ریاست
عبیدالله خان اوزبک دوران جدیدی را در حیات سیاسی اوزبکان گشود و با
گردآوری علما و فقیهانی چون خنجی بر حیات مذهبی پیشین و امیال ناکام
محمدخان شیبانی تداوم بخشید. لذا در دوران شاه طهماسب در شرق ایران
بحران مذهبی و سیاسی مشتعل بود.

اندکی بعد، هم صفویان و هم اوزبکان به تدریج بعد از فروکش کردن
حرارت‌های اولیه که زاینده برپایی دولتهای نو بنیاد بود از دید صرفاً مذهبی در
برخورد با رقیبان دوری‌گزیدند و «ملکداری و جهانداری» چهره بارزتری
یافت. ادعاهای موروثی بودن خراسان و کوشش برای کسب مشروعیت
تاریخی، که در دوره‌های بعدی در مناقشات اوزبکان و صفویان طرح شد،
نشان از روند تدریجی دگرگون شدن استدلال‌های توسعه‌طلبانه بود.
طبیعی است که نخستین هدف این ناخت و تازها علاقه‌مندی به تجملات
و عناصر تمدن شهری از سوی بیابانگردانی بود که به سوی زندگی
پیشرفته‌تری گام نهاده بودند و با دنیای جدیدی جدای از صحرا ارتباط یافتند.

استقرار در ماوراءالنهر و خراسان و قرار گرفتن در بخشی از یک حوزه تمدنی گسترده که پهنه وسیعی از دنیای باستان تا سده‌های میانه را در بر گرفته بود، طبعاً می‌بایست عناصر متحرک و دور از فرهنگ شهرنشینی را تحت تأثیر عمیق قرار دهد. این تأثیر در شکل مناسبات فرهنگی و اقتصادی بروز نیافت، بلکه در قالب روابط خونین نظامی از جنبه حساسیتهای عقیدتی و «جاه‌طلبی» (۷) دولتها تجلی کرد.

از نظر مذهبی، جنگ بر ضد شیعیان رافضی برای برانگیختن علایق و تعصبات مذهبی مردم عاملی قاطع و مؤثر بود. ایمان مذهبی، مردم را در زیر لوای خان اوزبک و حتی صفویان گرد آورده بود، زیرا بنیان هر دو جامعه بر مذهب استوار بود. جنگ و مبارزه، جهاد و مجاهده در راه خدا قلمداد گردید و عنوان «غزا» یافت و از این رو سپاهیان را غازی خواندند، همان اصطلاحی که از دوره پیامبر و سده‌های اولیه قرون اسلامی به ارث مانده بود.

✓ تحولات سیاسی و نظامی شرق ایران

در دوران شاه طهماسب شش تهاجم عمده از جانب اوزبکان به شرق ایران صورت گرفت. اما هر بار با رهسپار شدن شاه صفوی به خراسان، اوزبکان

به سوی ماوراءالنهر ودشت باز گشتند و بیش از یک دهه با لگدکوب کردند خراسان، آسایش و امنیت منطقه را برهم زدند.

با مرگ شاه اسماعیل اول، اتحادیه‌ای از سلاطین اوزبک متشکل از کوجونجی خان و ابوسعید سلطان و سونجک محمد سلطان به رهبری عبیدالله خان اوزبک در بخارا شکل گرفت و هرات و دورمیش خان شاملو، لله سام میرزا و بیگلربیگی خراسان، را در محاصره نافرجام قرار دادند. در جانب دیگر ایران، نزاعهای امیران در پایتخت مانع فرستادن نیروی امدادی به هرات گردید و دیوسلطان روملو در رقابت با چوهه سلطان تکلو به بهانه دفع اوزبکان در لار اردو زد، لیکن اردوی لار به جای رویارویی با اوزبکان در جنگ داخلی قدرت به کار گرفته شد. مرگ دورمیش خان و قتل خواجه حبیب‌الله و اختلاف دو طایفه تکلو و استاجلو بر سر فرمانروایی خراسان، بار دیگر فرصت مناسبی به عبیدالله خان اوزبک داد، اما به جهت قلت آزوقه و شیوع قحطیدر مشهد ناکام ماند.

در محاصره شهر طوس در سال ۹۳۲ ه. ق. ۱۵۲۶ م به رغم مقاومت مردم و ارتزاق آنان از چرم جوشیده و تغذیه اسبان خود با چوب تراشیده به جای علوفه، به سبب عدم یاری حکام خراسان، طوس سقوط کرد و اندکی بعد عبیدالله خان اوزبک استرآباد را متصرف شد و در بسطام دو امیر قزلباش،

دمری سلطان و اخی سلطان، راشکست داده و به قتل رسانید و سپس حسین خان شاملو را با مسدود ساختن مسیر آزوقه و آب در محاصره سخت قرار داد. در مقابل این شیوه جنگی اوزبکان، بزرگان هرات و خان شاملو صلاح در آن دیدند که جمعی از «اوساط الناس و ادانی و آنانی که به تشیع شهرت ندارند»، (۱۲ . ص ۱۷۷ و ۴ . ص ۱۴۴-۱۴۳ و ۱۷ . ص ۳۴۶) برای حفظ آزوقه از شهر رانده شوند. در واقع اهل سنت و جماعت می بایست جلای وطن کنند و از اوزبکان، همکیشان سنی مذهب خود، ارتزاق نمایند. مشابه این اقدام را ما در آزار شیعیان به هنگام استیلای اوزبکان می بینیم. در نهایت، با استقرار شاه طهماسب در خراسان و شکست اوزبکان در استرآباد، عبیدالله خان اوزبک ناکام به ماوراءالنهر بازگشت. نکته این است که دیدگاههای تنگ نظرانه و رقابت‌های امیران قزلباش و سعی در بهره‌گیری از جنگها برای نابودی رقبا سیاسی، مانعی در یاری رساندن به قزلباش‌ها در هرات بود. رفتار چوهه سلطان، وکیل السلطنه، با حسین خان شاملو نمونه‌ای از آن است. عدم ثبات و آرامش در مرکز کشور، طبعاً مانع حصول نتیجه مطلوب در مرزهای شرقی گردید.